

بریتانیا در ترور لنین دست داشت؟



حدود یک قرن پیش بریتانیا به طراحی توطئه قتل لنین و تلاش برای سرنگونی حکومت بلشویکی نوپای او متهم شد. دولت بریتانیا این اتهام را بخشی از پروپاگاندای شوروی خواند. اما شواهد جدیدی که به دست آمده نشان می دهد که این موضوع ممکن است صحت داشته باشد.

جام جم آنلاین: حدود یک قرن پیش بریتانیا به طراحی توطئه قتل لنین و تلاش برای سرنگونی حکومت بلشویکی نوپای او متهم شد. دولت بریتانیا این اتهام را بخشی از پروپاگاندای شوروی خواند. اما شواهد جدیدی که به دست آمده نشان می دهد که این موضوع ممکن است صحت داشته باشد.

آنچه به نام "توطئه لاکهارت" شناخته می شود، برای چندین دهه در آرشیو اسناد اتحاد شوروی مورد توجه گرفته و در مدارس تدریس شده و حتی در مورد آن فیلم ساخته شده است.

در اوایل سال 1918 و در ماه های پایانی جنگ جهانی اول، دولت بلشویکی جدید روسیه مشغول مذاکرات صلح با آلمان و عقب کشیدن نیروهای از نفس افتاده اش از جبهه ها بود.

این کار به مذاق لندن خوش نمی آمد، چرا که آلمانی ها را از شر جنگیدن همزمان در دو جبهه خلاص می کرد و به آنها اجازه می داد نیروهایشان را در جبهه غرب تقویت کنند.

بریتانیایی ها که مصمم بودند روسیه را به نفع متفقین به جنگ بازگردانند، مرد جوان سی و چند ساله ای را به عنوان نماینده خود به مسکو فرستادند. نام او رابرت بروس لاکهارت بود.

حمایت از مخالفان بلشویک ها

لاکهارت که یک اسکاتلندی بود، شخصیت جالبی داشت. او عاشق تفریح و ورزش بود و در عین حال ادعا می کرد می تواند پنج کتاب را به طور همزمان بخواند.

در ابتدا به نظر می رسید لاکهارت پیشرفت خوبی داشته باشد. ولی در ماه مارس آن سال، اتحاد شوروی پیمان صلح برست- لیتوفسک را با آلمان امضا کرد و به این ترتیب همه امیدها برای بازگشت آن به جبهه متفقین از میان رفت.

اما ظاهراً لاکهارت به هیچ وجه قصد رها کردن موضوع را نداشت. در عوض گفته می شود که از آن به بعد توجه او معطوف به سرنگونی حکومت بلشویکی و جایگزین کردن آن با دولتی بود که مایل باشد مجدداً علیه آلمان وارد جنگ شود.

اسناد نشان می دهند که لاکهارت در ماه ژوئن برای کمک مالی به سازمان های ضد بلشویکی مختلف در مسکو از لندن درخواست پول کرد.

نامه او، که قید "فوری" هم داشت، از سوی وزارت امور خارجه به خزانه داری فرستاده شد.

این نامه برخورد وزیر امور خارجه با نماینده مسکو را به خوبی نشان می دهد: "آقای بالفور معتقد است که وقت انجام این اقدام فرارسیده است، و من قصد دارم از شما بخواهم کمیته لردها را به تأیید هزینه های مورد اشاره ترغیب کنید تا منابع مالی مورد نظر در اختیار آقای لاکهارت قرار بگیرد."

انقلاب در انقلاب

در اواخر ماه مه بریتانیایی ها تصمیم گرفتند نیروی نظامی کوچکی را به آرخانگلسک در شمال روسیه بفرستند.

رسماً گفته می شد که مأموریت این نیروها جلوگیری از افتادن هزاران تن تجهیزات نظامی بریتانیایی که قبلاً به روس ها داده شده بودند - بدست آلمانی هاست.

اما اسناد آن زمان نشان می دهند که نقشه هایی مورد بررسی بوده اند که مطابق آن پنج هزار سرباز بریتانیایی به بیست هزار نیروی

ویژه لتونیایی مأمور حفاظت از کاخ کرملین که گمان می رفت امکان پشت کردنشان به بلشویک ها وجود دارد ، ملحق می شدند.

لاکهارت در تابستان سال 1918 بعد از ملاقاتی با یکی از مخالفان محلی بلشویک ها به نام ساوینکوف، تلگرافی به لندن مخابره کرد. او در این تلگراف گفته بود: "پیشنهاد ساوینکوف برای انقلاب در انقلاب. نقشه در مورد این است که چگونه در پی حمله متفقین سران بلشویک ها به قتل برسند و دیکتاتوری نظامی شکل بگیرد."

در ذیل پاراگراف حروف اول نام و امضای لرد کرزن دیده می شود که در آن زمان یکی از اعضای کابینه جنگ بریتانیا بود. در تلگراف آمده بود: "روش های ساوینکوف خشن هستند، البته در صورت موفقیت احتمالا کارآیی خوبی خواهند داشت. ولی ما تا زمانی که تصمیم قطعی در مورد اقدام نظامی گرفته نشود ما نمی توانیم حرفی بزنیم یا حرکتی بکنیم."

"سردسته جاسوس ها"

در همین حال لاکهارت همکاری با شخصیت جالب دیگری را شروع کرده بود. سیدنی رایلی یک تبعه روسیه بود که پیشتر نام خود را از روزن بلوم تغییر داده بود.

او که صاحب یک شرکت بود و زندگی پر زرق و برقی داشت، به تازگی همکاری با سرویس های مخفی بریتانیا را شروع کرده بود. او بعدها به "سردسته جاسوس ها" معروف شد و در کتاب داستان های پرماجرا به شهرت رسید. حتی گفته شد او الهام بخش یان فلمینگ در خلق شخصیت داستانی جیمز باند بوده است.

کمی بعد هردوی آنها درگیر اتفاق بزرگ و حیرت آوری شدند.

در اواخر تابستان سال 1918 لنین در مسکو ترور شد.

یک زن جوان از فاصله نزدیک دو گلوله به او شلیک کرد. پلیس مخفی بلشویک ها، معروف به چکا، بروس لاکهارت را چند ساعت بعد از این واقعه دستگیر کرد و او را برای بازجویی به کاخ کرملین برد. رایلی در آن موقع از چنگ چکا فرار کرد، اما چند سال بعد با فریب به روسیه کشانده شد و با شلیک گلوله به قتل رسید.

بر اساس اسناد و مدارک چکا، لاکهارت به دست داشتن در توطئه قتل لنین و سرنگونی دولت بلشویکی اعتراف کرده است. اما نماینده بریتانیا در مسکو در اوایل اکتبر 1918 با همتای روسی خود در لندن مبادله شد.

"پرده پوشی در بیان حقیقت"

لاکهارت در کتاب پرفروشش بنام "یادداشت های یک مأمور بریتانیایی"، که در دهه 1930 منتشر شد، تأکید می کند که هیچ نقشی در توطئه قتل لنین و یا توطئه سرنگونی دولت بلشویکی نداشته است.

او در عوض اصرار داشته که سیدنی رایلی، "سردسته جاسوس ها" پشت نقشه های انجام کودتا بوده است.

لاکهارت اضافه کرده که با رایلی سر و کار چندانی نداشته و رایلی به ادعای بسیاری خارج از کنترل و تکرانه عمل می کرده است.

با این وجود یک نامه، که توسط رابین پسر لاکهارت نوشته شده، در آمریکا در آرشیوها پیدا شده است.

پسر لاکهارت در این نامه اشاره می کند که پدر او در بیان برخی حقایق پرده پوشی کرده است: "اگر موضوع رابطه پدر من با رایلی هنوز برای بعضی ها در وزارت امور خارجه جذاب است، باید گفت که از کتاب "یادداشت های یک مأمور بریتانیایی" به روشنی بر می آید که پس از آن که در سال 1918 تصمیم دخالت در امور روسیه گرفته شد، پدر من از جنبش مخالف انقلاب علنا حمایت می کرد، و مسلماً رایلی با این جنبش همکاری فعالانه ای داشت. پدرم شخصا برایم روشن کرد که همکاری او با رایلی از آنچه علنا گفته بود خیلی تنگاتنگ تر بوده است."

ظاهرسازی دولت بریتانیا

پروفسور رابرت سرویس کسی است که نامه مورد بحث را پیدا کرده است. او عقیده دارد تنها راه پیدا کردن حقیقت، دسترسی به بقیه

پرونده های آن دوره است.

اما دولت بریتانیا بسیاری از این پرونده ها را بعد از گذشت 90 سال همچنان سری به شمار می آورد.

پروفسور رابرت سرویس معتقد است دلیل این کار حفظ این افسانه است که توطئه هایی به سبک لاکهارت هرگز مورد تأیید لندن نبوده و نخواهند بود.

او می گوید: "سیاست رسمی امروز سرویس های اطلاعاتی بریتانیا مخالف براندازی دولت های خارجی و یا به قتل رساندن رهبران سیاسی است. گمان می کنم دولت می خواهد در ظاهر امر نشان دهد که این نگاه همیشه وجود داشته است و بریتانیا همیشه کارنامه پاکی داشته است. کارنامه بریتانیا همیشه پاک نبوده است. آنها هم به اندازه دیگران کارهای نادرست انجام داده اند."

سیر وقایع

1914 شروع جنگ جهانی اول میان متفقین (فرانسه، روسیه و بریتانیا) و دول مرکزی (آلمان، امپراتوری اتریش مجارستان و ترکیه عثمانی).

1917 یک انقلاب مردمی به رهبری بلشویک ها تزار را وادار به کناره گیری می کند و دولت او سرنگون می شود.

1918 پایان جنگ جهانی اول؛ تزار نیکولای دوم به قتل می رسد؛ جنگ داخلی در می گیرد و نهایتاً در آن ارتش سرخ لنین روس های سفید (یا همان مخالفان کمونیست ها) را که مورد حمایت قدرت های خارجی هستند، شکست می دهد .

نویسنده: مایک تامسون - بی بی سی